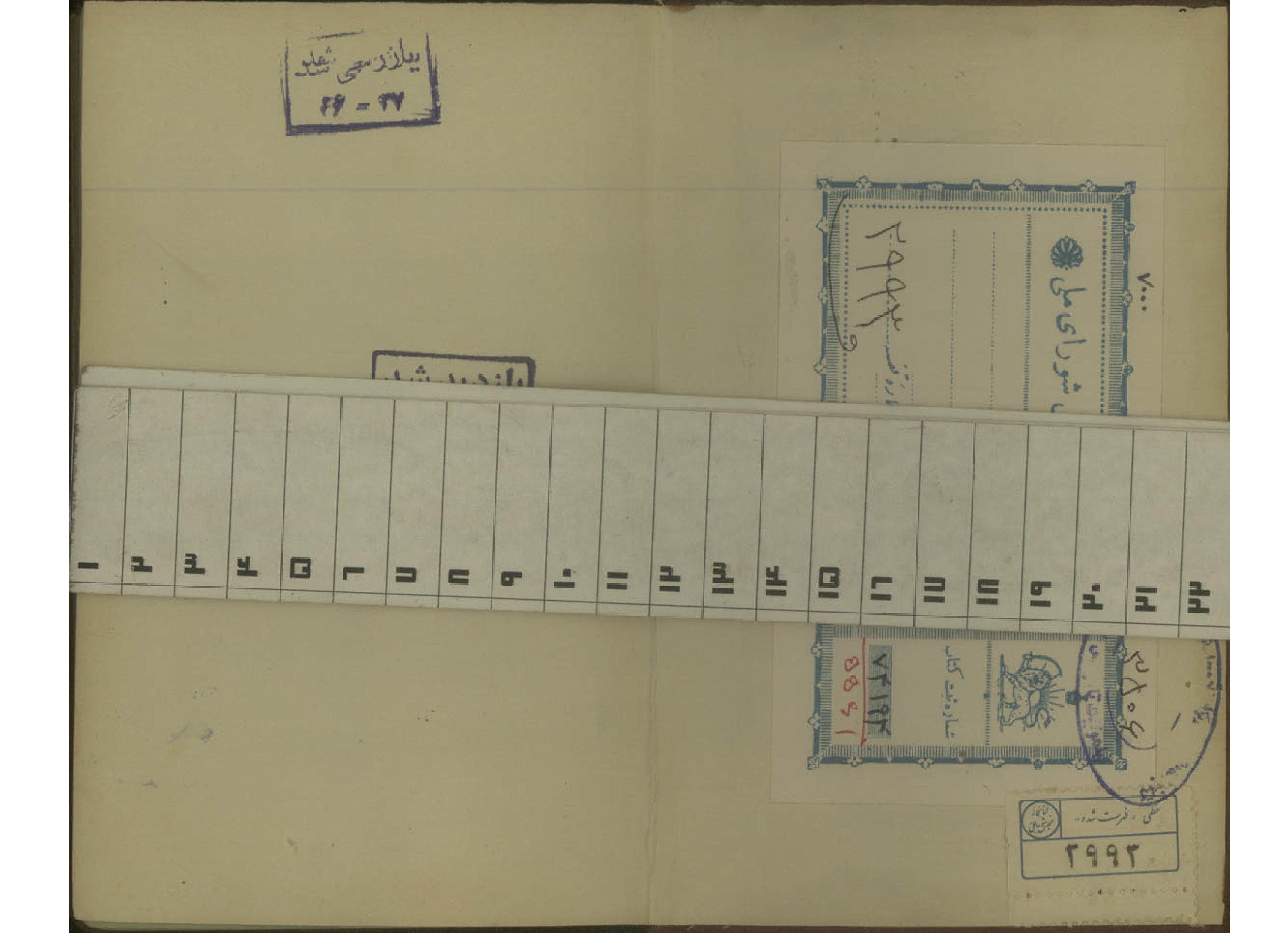
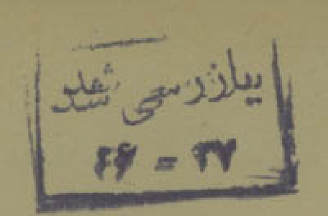
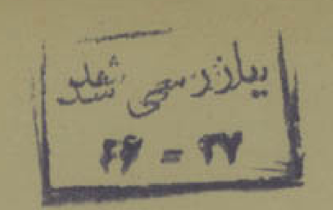

بیلان رسمی شد
۴۷ = ۴۶
شورای ملی
۷۰۰۰
شماره ثبت کتاب
۷۳۱۹۳
خطی « فهرست شده »
۲۹۹۳





۴۷ = ۴۶



۷۰۰۰
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب اصول کافی
مؤلف
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۷۴۱۹۳
خطی . فهرست شده .
۳۹۹۳

۱۲۸ ۹۱ ۸۷ ۸۰ ۷۶

۵۰۷

۹۷

اصول

۷۰۰۰



اصول تمدن

آبادی یک ملک بسته بتحصیل امتعه ایست که در آن ملک بعمل میآورند

آهن و گندم و زغال و الماس جزو امتعه هستند

اجناس امتعه در عالم تجارت از همدیگر فرق ندارند

فرق در تحصیل امتعه است

بعنوان

بعنوان مثال آن ملکی که معادن طلا دارد یا آنملکی که ابریشم بعمل میآورد غنی تر از آنملکی است که گندم یا تنباکو بعمل میآورد

هر ملکی که بیشتر متاع بعمل میآورد خواه طلا خواه گندم غنی تر از دیگران است

این فقره را اهل ایران هنوز نفهمیده اند

از برای تحقیق آبادی یک ملک لازم نیست بدانیم در آنملک چه نوع
امتعه هست باید پرسید در آنملک چه قدر امتعه بعمل میاورند

یک ملک از معادن خود سالی صد کرور تومان طلا حاصل میکند
یک ملک دیگر سالی دویست کرور تومان گندم بخارج میفروشد بدیهی است
که این ملک آخر در مقابل غنی‌تر از ملک اول خواهد بود

شما یک معدن الماس دارید که سالی پنجاه هزار تومان اجاره میکنند

من یک

من یک معدن ذغال دارم که سالی هشتاد هزار تومان اجاره میکنند
پس معدن ذغال من بهتر از معدن الماس شما است

از این مطالب متفرقه هیچ معنی مفهوم نخواهد شد مگر اینکه تمام فقرات
این کتابچه را بدقت کامل تا آخر مطالعه فرمایند

درجه ثروت یک ملک در مقدار امتعه آن ملک است

در یک مملکت هر قدر بیشتر متاع عملی بیاورند آسایش و قدرت
خلق آن مملکت بیشتر خواهد بود

خلق بلژیک از خلق افغانستان خیلی غنی‌تر هستند زیرا که در بلژیک
خیلی بیشتر از افغانستان متاع عملی بیاورند

چه باید کرد که مالیات مازندران در مقابل بیشتر از امروز بشود
باید تدبیری کرد که محصولات آن در مقابل بیشتر از امروز بشود

۵ [illegible]

دولت روس صحرای ترکمن را چه طور آباد خواهد کرد
تدبیری خواهد کرد که امتعه آن صحرا روز بروز زیادتر بشود

چرا اهالی بلوچستان فقیر هستند
زیرا که متاع کم عملی بیاورند

چرا دولت انگلیس غنی‌تر از سایر دول است
بجهة اینکه بیشتر از سایر دول امتعه عملی بیاورد

راه تمول یک ملت منحصر باینست که
زیاد کار بکنند
زیاد اشیاء بعمل بیاورند
و زیاد داد و ستد نمایند

اولیای دول آسیا از معنی این اصل ساده همیشه غافل بوده‌اند

در ممالک فرنگستان بر هر یک از این اصول ساده بیست پانصد جلد کتاب نوشته‌اند

معنی این اصل را خیلی خوب میتوان بیان کرد اما جای بیان این اصول را
مدرسه[۳] میگویند.

آنچه عقلای فرنگستان بعد از بیست سال درس و کشیدن هزار زحمت تحصیل کرده‌اند
اولیای آسیا توقع دارند بدون هیچ زحمت در چند دقیقه صحبت
به تفنن یاد بگیرند.

در عهد شاه طهماسب ادارهٔ امور دولت بر عقل طبیعی بود ادارهٔ حالیهٔ
دول فرنگستان همه بر علوم است

در ادارهٔ دول فرنگستان هیچ نکته نیست که چندین سال درس و تحصیل لازم نداشته باشد

موافق علوم فرنگستان

آبادی ملک یعنی کثرت امتعه

رفاه خلق یعنی کثرت امتعه

معموری خزانه یعنی کثرت امتعه

ترقی و قدرت دولت یعنی کثرت امتعه

اینمطلب را باید هزار بار تکرار کرد
زیرا که چندین هزار سال است که این حقیقت بزرگ از دایرهٔ
عقل آسیا خارج مانده است

چه باید کرد که امتعهٔ یک ملک زیاد بشود

این حرف جامع جمیع مسائل آبادی دنیا است

علوم و تدابیر و اختراعات فرنگستان کلاً راجع باین مسئله اصلی است

دول فرنگستان در دنیا هیچ مقصود و هیچ مأموریتی ندارند بجز اینکه
بهر نوع تدبیر و بهر قسم اجتهاد امتعه ممالک خود را زیاد نمایند

بعضی از شرایط تکثیر امتعه در این کتابچه مختصراً ذکر شده

تکثیر امتعه و تجارت لازم و ملزوم همدیگر هستند

مثلاً کسی زیاد تریاک بعمل بیاورد و نتواند بفروشد از گرسنگی خواهد مرد

از برای اینکه اهل اصفهان زیاد تنباکو بکارند باید بتوانند زیادی
تنباکوی خود را با امتعه دیگر معاوضه نمایند

تکثیر امتعه بدون کثرت داد و ستد یا محال و یا مشکل و اغلب مضرّ است

تجارت اولین ثمر تکثیر امتعه است

معنی تجارت در زبان عملی فرنگستان خیلی وسعت پیدا کرده مقصود از لفظ
تجارت فقط حمل و نقل و فروش امتعه نیست

زراعت و معادن و صنایع و طب و نقاشی و هر چیز و هر عملی که
از آن پول حاصل بشود جزو عوالم تجارت میدانند و وقتی میگویند
فلان ملک زیاد تجارت دارد یعنی آن ملک زیاد علم و صنایع دارد
زیاد کار میکنند زیاد امتعه بعمل میآورد و با ممالک خارجه زیاد
داد و ستد میکنند که در حقیقت لفظ تجارت حالا یعنی مجمع کل
شرایط و اعمال آبادی است

حرکات و مجادلات و جنگ و صلح دول فرنگستان عموماً راجع به فواید
تجارتی است

در امور دنیوی بجز تجارت کار دیگر نیست

مدار آبادی دنیا بر رونق تجارت است

بدون تجارت زندگی خلق به پست زندگی حیوانات خواهد بود

ولی آسیا از معنی و از قدرت تجارت هیچ اطلاع ندارند

در ایران جمعی بر این عقیده هستند که تجارت ما با فرنگستان ما را
فقیر و اهل فرنگستان را غنی میکند

این عقیده دلیل کمال جهالت است

بچه دلیل

بصد دلیل که همه را باید در مدرسه یاد گرفت

در معامله موقتی یک شخص با شخص دیگر ممکن نیست که یکی منفعت ببرد و دیگری ضرر

در مداومت معامله یک ملک با ملک دیگر حتماً هر دو منفعت میکنند

اگر ایران هر سال هشت کرور تومان مال بروس ببرد و هشت کرور تومان
مال از روس بیاورد در این معامله هم ایران و هم روس منفعت خواهند کرد

بچه دلیل

بدلیل اینکه این مطلب را در هزار مدرسه فرنگستان با هزار جلد دلیل
اینطور ثابت کرده اند

در انگلیس زغال زیاد است در روس گندم زیاد در چین چای زیاد
عمل میاورند در ایران تریاک زیاد روس گندم میدهد زغال میگیرد
ایران تریاک میدهد چای میگیرد هر چهار دولت از معاوضه این امتعه خود منفعت میبرند

اهل ایران میگویند ما طلای خالص خود را میدهیم و از فرنگستان
ماهوت و ساعت و بلور بی مصرف میاوریم

این حرف بکلی بی معنی است

خود ایران نه یک مثقال طلا دارد نه یک مثقال نقره چنانکه خود انگلیس
و خود فرانسه هم نه یک مثقال طلا دارند نه یک مثقال نقره

در این سه دولت هر قدر طلا و نقره هست لامحاله عوض و معادل
امتعه ایست که از خاک خود بیرون فرستاده اند

تجّار ایرانی برنج میدهند بروس و در عوض آن از روس طلا میگیرند بعد آن طلا را میدهند بانگلیس و عوض آن ماهوت میگیرند که درحقیقت ایران برنج داده و ماهوت گرفته

دولت انگلیس ماهوت میدهد بایران و طلا میگیرد بعد آن طلا را بروس میدهد و گندم میگیرد که درحقیقت انگلیس ماهوت داده و گندم گرفته

ایران پوست روباه و شبکو بخارج میفرستد و در عوض آن بلور و ساعت میآورد

بیاطلاعها ایران از خارج بلور و ساعت گرفته و در عوض پوست روباه و شبکو داده

دولت فرانسه بر حسب ظاهر هزار کرور تومان طلا و نقره بروس جهت جنگ داد امّا درحقیقت آن هزار کرور تومان بتوسط شراب و ماهوت و ابریشم و امتعهٔ مختلفه بامعنی که فرانسه شراب و ابریشم و امتعهٔ اخری را بخارج داد و در عوض آنها طلا گرفت و آن طلا را داد بروس

طلا و نقرهٔ ایران از کیمیا نیست

در ایران و انگلیس و فرانسه هر قدر طلا و نقره به بینیم باید بدانیم که
در عوض امتعه ایست که بخارج فرستاده اند

وقتی از ایران یا از انگلیس یا از فرانسه ده کرور پول بیرون برود
دلیل بر اینست که از آن ملک معادل ده کرور تومان متاع بیرون رفته

وقتی از ایران پول بیرون میرود نباید مضطرب شد
اصلا آن پول بجز متاع ایران چیز دیگر نیست

بنفع ایران

بعضی مطالب را زیاد تکرار میکنیم زیرا که این مطالب مبنای جمیع
مطالب دیگر هستند .

طلا و نقره را باید بعینه مثل آهن و گندم و تنباکو متاع تجارتی حساب نمائیم

طلا و نقره الماس و ذغال در عالم تجارت هیچ فرق ندارند

این فقره یکی از آن حقیقتهاست که عقلای آسیا تا امروز نتوانسته‌اند بفهمند

عموم عقلای آسیا در معنی طلا و نقره اشتباهات کلی دارند

اغلب خرابیهای دول آسیا در امور مالیه از این اشتباهات است

رفع این اشتباهات ممکن نیست مگر در مدارس

مقصود از این کتابچه مختصر فقط تذکار اصول است

توضیح و اثبات اصول راجع بمدارس است

طلا و نقره مسکوک علاوه بر اینکه مثل آهن و چینی و قند متاع
تجارتی هستند این اختصاص را هم دارند که عموم طوایف این
دو فلز را آلت تشخیص قیمت و اسباب معاوضهٔ سایر امتعه قرار داده‌اند

من یک خروار گندم فروخته‌ام یعنی در عوض یک خروار گندم
پنجتومان طلا گرفته‌ام و بعد آن پنجتومان طلا را داده چای و قند
خریده‌ام بعبارت اُخری یک مقدار گندم داده و یک مقدار
چای و قند گرفته‌ام پنجتومان طلا آلت تعیین نسبت این دو مقدار است

دول آسیا از معنی و از مقصود اصلی پول هیچ اطلاع و علم صحیح ندارند
خیال میکنند معنی پول در طلا و نقره است

دول فرنگستان از روی تحقیقات طولانی و از روی علوم صحیح کشف کرده‌اند
که معنی اصلی پول نه در طلاست و نه در نقره

شاهد صحت این علم اینست که در عوض پول طلا و نقره صد مقابل
بیشتر پول کاغذی ساخته‌اند

عقلای آسیا معنی پول کاغذی را نتوانسته بفهمند بعلت اینکه معنی و مقصود

اصل پول را درست نفهمیده اند

پول کاغذی را اول فرنگستان چه طور میزنند

همانطور که معلمین ما مدت هشت سال در مدارس بزرگ بورزای

فرنگستان یاد دیده اند

پول ایران تعیین قیمت و آلت داد و ستد است

هر جا که داد و ستد زیاد است این آلت هم ناچار زیاد میشود

هر جا که داد و ستد کم است پول هم که ملزوم داد و ستد است حکماً کم میشود

در ایران پول کم است بعلت اینکه در ایران داد و ستد کم است

در فرانسه ۳ پول زیاد است بعلت اینکه در فرانسه ۳ داد و ستد

زیاد است

مقدار داد و ستد یک ملک بسته بمقدار اشعه آنملک است

اگر امسال مانند سلف دو مقابل بیشتر از پارسال اشعه بعمل بیاورد
داد و ستد مانند سلف دو مقابل بیشتر ولی اگر اولادیه هم دو مقابل بیشتر شود

اگر امسال مملکت بذیت کمتر از پارسال اشعه بعمل بیاورد داد و ستد
بذیت کمتر ولی ان مملکت کمتر از پارسال خواهد بود

اگر بخواهیم پول ایران را زیاد بکنیم هیچ راه و هیچ تدبیری نداریم
بجز انکه

بجز انکه داد و ستد ایران را زیاد بکنیم

اگر بخواهیم داد و ستد ایران را زیاد بکنیم هیچ راه و هیچ تدبیری
نداریم بجز اینکه اشعه ایران را زیاد نمائیم

بجهة آبادی یک ملک بجز تکثیر اشعه آن ملک راه دیگر نیست

بجهة احیای ایران بجز تکثیر اشعه ایران راه دیگر نیست

یک شرط زیادی امتعه زیادی مشتری است

یک متاع هر قدر بیشتر مشتری داشته باشد آن متاع را بیشتر بعمل میآورند

قلت فروش یک متاع موجب قلت تولید آن متاع است

اگر اهل اصفهان زیاد تریاک بعمل بیاورند و در چین نخرند اهل اصفهان ضرر خواهند کرد و تریاک را کمتر عمل خواهند آورد

اگر در کردستان زیاد گندم بعمل بیاورند زارعین آنجا بواسطه عدم مشتری خراب خواهند شد و گندم را کمتر خواهند کاشت

یکی از تکالیف اصلی دول است که از برای امتعه ممالک خود در هر جای دنیا مشتری زیاد پیدا بکنند

مقصود واحد پولیتیک انگلیس است که خلق انگلیس چه در زغال و ساعت و جمیع محصولات خود را در هر جای دنیا بقدر امکان بیشتر بفروشند

اگر مشتری امتعه انگلیس در دنیا کم شود آبادی و قدرت انگلیس هم بهمان درجه در دنیا کم خواهد شد

اینکه دول فرنگستان در آسیا و در افریقا و در جمیع اکناف دنیا با اینهمه حرص و شدت ممالک تازه پیدا و ضبط میکنند هیچ مقصود

و فایده در نظر ندارند مگر اینکه بواسطهٔ استقرار امنیت
و باز کردن بنادر و مزید آبادی آن ممالک از برای امتعهٔ خود مشتری
تازه پیدا نمایند

دول آسیا این نقص دول فرنگستان را هیچ نتوانسته بفهمند بعلت اینکه
هنوز نفهمیده اند که تکثیر مشتری از برای تکثیر امتعه چه قدر واجب
و تکثیر امتعه از برای شوکت و قدرت یک دولت چه پایه معظم است

جهد فرنگستان از برای ازدیاد مشتری امتعهٔ خود یک راه بزرگ پیدا کرده اند

راه ازدیاد

راه ازدیاد مشتری یک تابع ارزانی آن متاع است

اگر تجار انگلیس قند زیاد باسلامبول نفرستند و تجار فرانسه ۳ همان جنس
قند را ارزانتر باسلامبول برسانند مشتری قند فرانسه ۳ از مشتری قند انگلیس
بهمان نسبت زیادتر خواهد شد

اگر امسال تجار ایران عباکوی اصفهان را ارزانتر از پارسال باسلامبول
وارد نمایند مشتری عباکوی اصفهان امسال در اسلامبول بهمان نسبت بیشتر خواهد شد

اگر ساعت انگلیس یا صد تومان قیمت داشته باشد در ایران سالی هزار نفر مشتری خواهد داشت
و لیکن اگر همان ساعت را یا ده تومان تمام نمایند مشتری آن ساعت ده مقابل بیشتر خواهد شد

دولی که طالب تکثیر امتعه و در فکر آبادی ممالک خود هستند باید با هر نوع
تدبیر اسباب فراهم بیاورند که امتعه خودشان را ارزان‌تر از دیگران به بازار
دنیا داخل نمایند

هر ملکی که امتعه یک ملک دیگر را ارزان‌تر بعمل بیاورد آن ملک را
در عالم تجارت ضعیف و مغلوب خواهد ساخت

ملک روس سالها چندین کرور خروار گندم به انگلیس میفرستاد ینگی دنیا همان گندم را

از ینگی دنیا

از ینگی دنیا ارزان‌تر از روس به انگلیس رسانید گندم روس را
بالمره شکست داد و کرورها بملک روس ضرر واقع آمد حالا روس
باید سعی و تدبیر نماید که گندم خود را از گندم ینگی دنیا ارزان‌تر به انگلیس برساند

اگر دولت عثمانی مثلا ترابوزان را بهتر و ارزان‌تر از ایران معمول بدارد
تجارت ایران تمام و خلق ایران بمراتب از امروز فقیرتر خواهند بود

جنگ معقول در این عهد بر مزید ارزانی امتعه است

هر دولتی که از روی غفلت و نادانی مانع ارزانی امتعهٔ ممالک خود بشود دشمن آبادی و مخرب ممالک خود است

نمیتوان تصور کرد که حکما و علمای عقلای فرنگستان بجهة ارزانی امتعهٔ خود چه اختراعات بزرگ چه چرخهای عجب چه صنایع عالی و چه قوانین دقیق پیدا کرده اند

در بیان آن اصول بزرگ که دول فرنگستان از برای ارزانی امتعهٔ خود مقرر و مجرا داشته اند از همه بزرگتر از همه مفیدتر از همه سادهتر از همه عجبتر و از همه جامع تر ساختن راه است

اهل آسیا تا امروز نفهمیده اند که ساختن راه بجهت آبادی و قدرت

یک دولت متمدن چه کار انتهای عظیم است

بعضی از سلاطین سابق آسیا گاهی یک راه مختصری ساخته اند امّا نه از

روی علم و نه از برای تجارت فقط خیال ایشان یا تشویق زیارات

یا تسهیل لشکرکشی یا اینکه محض تفنّن شخصی بوده است هرگز بعقل ایشان

نرسیده که در ساختن راهها چه خواص چه آثار چه سلامت و چه قدرتها هست

فقر ایران خرابی ایران مغلوبیت ایران بدبختی

ایران صد نوع مصایب ایران از نداشتن راه است

ایران میتواند صد مرتبه از امروز زیادتر امتعه بعمل بیاورد

چرا بعمل نمیاورد

بعلت اینکه نمیخرند

چرا نمیخرند

بعلت اینکه گران است

چرا گران است

بعلت اینکه خرج حمل و نقل امتعه بواسطه نبودن راه بمراتب زیادتر
از خرج عمل آوردن خود امتعه است

ولی فرنگستان آنچه پول و قدرت و اعتبار و کفایت دارند همه را
صرف ساختن راه میکنند زیرا که هیچ راهی نیست که منافع آن
بالمآل صد مقابل زیادتر از مخارج ساختن آن نباشد

ایران میتواند سالی اقلاً سی کرور تومان فقط پشم بخارج بفروشد چون
راه ندارد این سی کرور متاع هم از برای ایران هم از برای دنیا مفقود میماند

بدون راه نعمات طبیعت همه بیفایده است

بدون راه زراعت مغلوک

بدون راه معادن معدوم

بدون راه صنعتها ضایع

بدون راه تجارت فانی

بدون راه نفت یک مملکت همه گاه از زندگی به سخت ترین بار وقت است

خاک ایران میتواند گندم نصف خلق انگلیس را بدهد و در عوض آن ماهوت و قند و طلا بگیرد ولیکن چون راه ندارد نمیتواند گندم خود را به قیمت مناسب با انگلیس برساند باین جهة گندم ایران بی مشتری میماند و چون گندم ایران بی مشتری میماند اهالی ایران کم گندم میکارند و چون کم گندم میکارند گاهی نصف خلق ایران از قحط میمیرند و گاهی نصف ایران از بیکاری و گرسنگی به ممالک خارجه پناه میبرند

اگر در این سالها راه میداشتیم فقط گمرک پنبه ما از کل مالیات امروزه ایران بیشتر میشد

نمیتوان به حساب آورد که در این پنج [۳۰۲] سال گذشته ایران بواسطه نداشتن راه چه ضررهای جسیم را متحمل شده و از چه مزایای منابع خود را محروم ساخته است

اگر اولیای دول آسیا نتایج این مسئله راه را بقدر اطفال مدارس فرنگستان شکافته و فهمیده بودند حالا صد بار راههای آسیا ساخته بودند

اینکه اولیای دولت علیه از فواید راه و از منافع ارزانی امتعه غافل نیستند چندان جای تعجب نیست تعجب در اینست که برعکس عموم دنیا از برای گرانی امتعه و سد رواج تجارت ایران تدبیرهای مخصوص پیدا کرده‌اند

از برای گرانی امتعه و مزید اشکالات تجارت نمیتوان عجیب‌تر از گمرکهای داخله و سلاداریهای ما اسباب اختراع کرد

گمرکها

گمرکهای داخله از جمله زشتیهای ما و جهالت دولتی است

در کل دنیا یک دولت هست که گمرکهای داخله دارد و آن یک دولت دولت ایران است

گمرکهای داخله با علاوه بر ضررهائی که به تجارت ما وارد می‌آورد اولیای دولت ایران را در خارج رسوا کرده زیرا که وزرا و عقلای خارجه طرز اداره ما و درجه فهم و کفایت اولیای ما را همیشه از روی

این خبط فاحش تشخیص میکنند

علاوه بر اقسام مشکلات که برای تجارت ایران فراهم هست اولیای
دولت علیه بجهت خرابی تجارت ایران یک کفایت قدر بکار برده
که آنهم داخل ماهیه سکه علی ایرانی نشد وزن و عیار و تقسیمات پول
ایران را بقدری که در قالب دولت باشد نزدند و بدین معنوی ساخته اند

مسکوکات یک دولت از اسباب وجهیه تجارت آن دولت است

وزن

وزن و عیار و تقسیمات پول باید از روی یک قرار علمی تشخیص و ثابت باشد

تغییر عیار پول از جمله سفاهتهای دول آسیا بعد است

اگر یک مثقال طلا را ده قسمت یا بیست قسمت بکنیم قیمت آن یک مثقال
طلا مطلقا زیاد و کم نخواهد شد

اگر یک تومان را بیست تکه یا ده تکه یا سه تکه قرار بدهیم پول ما یکدینار زیاد نخواهد شد

لهذا یک شبانه روز را عوض بیست و چهار ساعت سی و چهل یا شصت
هفتاد ساعت قرار بدهیم وقت مردم و عمر ما یک ثانیه زیادتر
نخواهد شد

ضررها و خرابیها که در این چند سال از اغتشاش مسکوکات ایران
بر تجارت و بر اهالی ایران رسیده سخت‌تر و وسیع‌تر از آن
مصائبی است که از غارتهای ترکمن بر ولایت خراسان وارد آمده

از تکرار این مطالب نباید خسته شد
زیرا که حرکات و ترقی و آبادی و قدرت فرنگستان همه مبنی بر
این مطالب ساده است

در کل فرنگستان بجهة زندگی و رفاه عامه بجز تولید امتعه و کثرت امتعه
و فروش امتعه هیچ مطلب و هیچ تدبیری نیست

جمیع مدرسه‌ها و علوم و جمیع اختراعات و قوانین و لشکر و پولتیک

وعدالت راجع به تولید امتعه و تکثیر امتعه و داد و ستد امتعه است

فواید و منافع تکثیر امتعه و ثروت در نظر اهل ایران کم و بیش معلوم باشد که
ولیکن در تحت این مطلب یک مطلب دیگری هست که بیان و ادای
آن از برای ما اهل آسیا چندان آسان نخواهد بود

متاع را باید زیاد کرد

خیلی خوب

امّا قبل از ازدیاد متاع آدمی باید دانست خود متاع را چه طور میتوان ایجاد آن

از برای تولید متاع یعنی از برای اینکه یک متاع بوجود بیاید سه شرط لازم است

اول اسباب طبیعی

لکن آفتاب و آب و خاک بتنهائی گندم عمل نمیاید

دوم کار

تا آدم کار نکند نه گندم عمل میاید و نه ساعت ساخته میشود

سوم سرمایه

کسی که گندم میکارد یا ساعت میسازد تا منزل و خوراک و لباس و آلت کار و یک مقدار علم و یک مبلغ پول نداشته باشد گندم و ساعت بعمل نخواهد آمد

منزل و خوراک و لباس و آلتهای کار و علم و پول جزو سرمایه هستند

شرط اول در ایران بهتر از اغلب ممالک موجود است یعنی که آفتاب و خاک ایران بیشتر و بهتر از اغلب ممالک دیگر محصولات بعمل میاورند

شرط دوم هم در ایران خیلی هست باین معنی که مردم ایران بسیار کارکن
و بسیار باهوش هستند

شرط سوم یعنی آلتهای کار و لوازم زندگی و پول و علم در ایران بالکلیه از عدم آنست

لکن خاک و آب و آفتاب باشد و آدمهای کارکن باشند متاع نعمتی نخواهد آمد

لکن خاک و آب و آفتاب و آدمهای کارکن باشند و سرمایه نباشد باز متاع نعمتی نخواهد آمد

تا این قوای طبیعت و آدمهای کارکن با سرمایه یعنی لوازم کار جمع نشوند
حصول امتعه ممکن نخواهد بود

از بعد

از برای آباد کردن فلان صحرا و کار کردن در فلان معدن و ساختن
فلان کارخانه و کسب فلان منافع لامحاله یک مقدار سرمایه لازم است

اهل ایران از برای اجرای این کارها اقسام استعداد و مساعدت را
دارند اما چون سرمایه ندارند جمیع نعمات طبیعی و قوای بشری
ایران بی فایده و بی مصرف مانده است

سرمایه اولین آلت اجتهاد بشری است

عموم طوایف فرنگستان سرمایه‌های زیاد جمع کرده‌اند

زیادی سرمایه موجب زیادی کار و اسباب تکثیر امتعه است

اهل انگلیس و فرانسه از سایر ملل بیشتر کار میکنند و بیشتر متاع بعمل میآورند
زیرا که بیشتر سرمایه دارند

خلق کردستان و بلوچستان خیلی کم متاع بعمل میآورند زیرا که خیلی کم سرمایه دارند

فلان تاجر

فلان کاسب انگلیسی بی آنکه یک اعتبار عقلی داشته باشد بقوت سرمایهٔ
خود بالای سلطنت میرود
فلان تاجر ایرانی با همه عقل و زرنگی خود بواسطهٔ ضعف سرمایهٔ خود پریشان
و خراب میشود

سایر طوایف کوه‌ها را سوراخ و دریاها را با هم متصل میکنند زیرا که سرمایهٔ
زیاد دارند
ما خلق ایران قنوات و دهات و این همه خزاین طبیعی خود را خراب
گذاشته‌ایم زیرا که سرمایه نداریم

در این عهدها درد بزرگ ایران قلت و فقدان سرمایه است

از برای اینکه خلق ایران بتوانند زیاده کار بکنند و زیاده استعمال
بعمل بیاورند باید سرمایهٔ ایران را زیاد کرد

چنان عملی بچه راه ممکن خواهد بود

راه این کار را علمای فرنگستان مدتیست در دنیا باز کرده‌اند

از جمله غرایب غفلت ما یکی همین فقره است که در این مدت چند سال
که با فرنگستان مراوده داریم در میان ما یک نفر آدم پیدا نشد
که چند دقیقه حواس خود را صرف تحقیق علوم مالیهٔ فرنگستان نماید
و حال اینکه اغلب ترقیات و عجایب این عهد نتیجه و حاصل این
علوم فرنگستان است

نمیتوان بیان کرد که ملل فرنگستان در خصوص تولید و اجتماع
و تقسیم و تکثیر سرمایه چه فنون عمیق و چه دستگاههای بزرگ
اختراع کرده‌اند

و نمیتوان تصور کرد که ما خلق ایران از معادن و فواید این فنون
چه قدر بی خبر و محروم مانده‌ایم

یک شخص در استرآباد ملک دارد اما سرمایهٔ زراعت ندارد اگر پانصد تومان
داشته باشد از ملک خود میتواند هزار تومان منفعت ببرد شخص دیگر
در طهران پانصد تومان پول نقد دارد ولکن اگر به شخص استرآبادی دسترسی
میداشت پانصد تومان خود را بی مضایقه باو قرض میداد و آن وقت
هم ملک استرآبادی آباد میشد هم پانصد تومان طهران منفعت میاورد ولکن

چون این دو شخص همدیگر را نمی‌شناسند ملک استرآباد بی مصرف
و پانصد تومان طهران بی منفعت می‌ماند

در ایران املاک و کرورهای زیاد هست که بر طبق مثل فوق از
همدیگر بی خبر و از دو طرف بی فایده و بی مصرف مانده‌اند

حکمای فرنگستان از برای اینکه مردم بی آنکه همدیگر را بشناسند بتوانند
سرمایهٔ خود را بدون معطلی بهمدیگر برسانند قواعد و ترتیبات عجیبه
پیدا کرده‌اند

یک سرتیپ روسی در تفلیس هزار تومان پول دارد اما نمیداند چه بکند
یک تاجر انگلیسی در ینگی دنیا هزار تومان پول نقد لازم دارد سرتیپ روسی
هزار تومان خود را با کمال اطمینان میدهد به بانک و بانک هم
با شروط لازمه میدهد به تاجر انگلیسی بطوریکه هم پول سرتیپ روسی
و هم تجارت تاجر انگلیسی بی آنکه معروف همدیگر باشند اسباب
منفعت همدیگر میشود

ترتیبات مالیهٔ فرنگستان طوریست که در هیچ ده فرنگستان از
پول احدی یک دینار بیکار و بی منفعت نمی ماند

پولهای مردم قطره قطره در جاهای مخصوص جمع میشود و بی آنکه
صاحبان پول زحمتی داشته باشند پولهاشان در اکناف عالم
مصدر کار و منشأ منافع میشوند

در ممالک فرنگستان هر کس برای هر کار مفیده هر قدر پول لازم داشته باشد
میتواند با آسانی بدست بیاورد

در ایران گذشته از اینکه پول بغایت کم است شرایط معاملات
و کار پول بقدری مغشوش و مشکل شده که آن جزئی پولها هم که هست
صد یک فایدهٔ خود را نمی بخشد

یکی از آن اصول بزرگ که علوم مالیهٔ این عهد میدهد و مقرر کرده این است که
سرمایه‌های مردم هرقدر زیادتر و بیشتر حرکت بکنند منافع آن
زیادتر خواهد بود

ملل فرنگستان در اجرای این قانون واقعاً سحر کرده‌اند

تجار فرنگستان با یک سرمایه چندین معامله را در چندین نقطهٔ
روی زمین یک دفعه با هم انجام میدهند

موافق احکام مالیهٔ فرنگستان پول یک مملکت مثل خون بدن انسانی
باید بسرعت تام علی الاتصال در گردش باشد

خون ایران خیلی کم و بی حرکت و منجمد است

تاجر فرنگی بتوسط دستگاههای مخصوص که در جمیع نقاط تجارت دنیا
برپا کرده‌اند پول خود را از لندن باسلامبول و از کلکته به پطربورغ
و از چین به ینگی دنیا بسرعت برق میچرخانند بیچاره تاجر ایرانی بهزار
ترس و لرز باید ده سال معطل شود تا سرمایهٔ محقر او برود باسلامبول

واز آنجا برگرد بایران

با این قلت سرمایه و با این عسرت معاملات در ایران تکثیر ثروت
و آبادی ملک محال است

چه باید کرد

باید سرمایهٔ ایران را زیاد و تداول سرمایه را سهل کرد

سرمایهٔ ایران را چه طور میتوان زیاد کرد

به تر

به ترتیب بانکها

تداول سرمایه را چه طور میتوان سهل کرد

به ترتیب بانکها

وقتی در ایران آهن کم میشود از خارج میآورند
وقتی در ایران چای کم میشود از خارج میآورند
وقتی هم سرمایهٔ یک ملک کم میشود میتوان از خارج آورد

آوردن سرمایه از خارج مقدمات و تدابیر و علوم مخصوص لازم دارد
چون این علوم در ممالک آسیا هیچ وقت نه وجود داشته و نه اسم
دول آسیا هیچ خبر و فهمی ندارند که سرمایه را هم از خارج میتوان آورد.

یکی از اسباب آوردن سرمایه از خارج بانک است

بانک از اختراعات بزرگ دنیا است

در طهران

در کل ایران (نه در میان فرنگیها و نه در میان ایرانیها) ۳ نفر
آدم نیست که از نظر و دقایق خدمات بانک بدرستی واقف باشد

بانک بر اقسام مختلف است

زراعت و تجارت بانکهای مختلف لازم دارند

جمیع دول علاوه بر بانکهای متفرقه هر کدام یک بانک مخصوص
دارند

در فرنگستان البته صد هزار بانک هست

هیچ دولت منتظم بدون امداد بانک نمیتواند یک روز منتظم باشد

قطعاً بعضی اشخاص تعجب خواهند کرد که از این مطالب بی ربط و بی پا آیا مقصود چیست

قدرت و

قدرت و عظمت دول فرنگستان چنانکه اهل آسیا تصور میکنند نه در ترتیب افواج و نه در استحکام کشتیهای آنها است

قدرت عساکر و عمومی خزاین و آبادی ملک و رفاه خلق و شوکت دول فرنگستان همه مبنی بر این اصول ساده است که بدبختانه هنوز تا مدتها بنظر وزرای آسیا بی ربط و بی پا خواهد آمد

این حرفهای دیگر و آن مطالب دیگر که سالهاست اولیای عموم دول آسیا را مشغول داشته لفظ خیلی شایسته و خوب بنظر میآیند اما مسلماً بجز معطلی جاهلانه و خرابی مطلق نتیجه نخواهد داشت

در رشته‌های اجدادی و در نویدهای تصورات واهی از برای ما بقدر ذره امید نیست

راه نجات ما منحصر همان راهیست که عموم دنیا از برای ما صاف و آشکار ساخته‌اند

خواه مشکل خواه آسان خواه تلخ خواه شیرین این حقیقت را باید در مغز خود درست جا بگیرد و محکم بسازیم که از برای رفع فقر ایران از برای آبادی ایران از برای احیای ایران از برای بقای ایران راه چاره منحصر باینست که خلق ایران [illegible]

زیاد کار بکنند زیاد سرمایه و علم داشته باشند زیاد امتعه بعمل بیاورند زیاد امتعه بخارج بفروشند و زیاد پول و مال جمع نمایند

گفتیم تولید متاع سه شرط لازم است

قوای طبیعت

سرمایه

کار

در این سه شرط از همه مهم تر از همه دقیق تر مسئلهٔ خود کار است

همه طوایف روی زمین شنیده‌ام و بقدر هم کار بکنند خلق اصفهان خیلی زیادتر از خلق بلوچستان و خلق انگلیس بمراتب بیشتر از

خلق

خلق اصفهان کار میکنند

عموم فرنگستان چنانکه از برای تکثیر امتعه و تکثیر سرمایه قواعد مخصوص وضع نموده از برای تکثیر کار یک طایفه نیز بعضی حکمت‌ها و بعضی اصول پیدا کرده که عظمت نتایج آن واقعاً خارج از ادراک عقل ما است

ولی فرنگستان الآن در دست خود یک تدبیری دارند که بحکم آن میتوانند درجه و مقدار کار اهل ایران را از امروز بیست مرتبه بیشتر نمایند

بحکم آن تدبیر مقدسی که در دست فرنگیهاست امروز خلق هند

مسلماً صد مرتبه بیشتر از عهد سلاطین سابق خوب کار میکنند

ونیز یکی آن تدبیر مقدّس عنقریب ترکمنها ماشاءالله ده مرتبه از ایام سابق بیشتر کار خواهند کرد .

آن تدبیر بزرگ آن تدبیر مقدّسی که دول فرنگستان همه جا بکار میبرند و بهمین قدرت لکی یک دهِ هندوستان را مبدل به کلکته و بیابانهای ترکستان را مقرّ امن و مأمن آبادی میسازد

آنکه باصطلاح خارجه امنیّت جانی و مالی میگویند

امنیّت جانی و مالی تنها و شرط و روح کاسبی است

درجه کار هر کس بسته بآن اطمینانیست که از حفظ نتیجه کار خود دارد

خلق ایران در ممالک خارجه خیلی خوب و خیلی زیاد کار میکنند امّا در ایران خیلی کم و خیلی بد کار میکنند

چرا

بدلیل اینکه در خارج یقین دارند که مال شان را هیچکس نمیتواند بگیرد

قانون طبیعت بشری چه در هند چه در همه دنیا خواه در مملکت قدرت کفر
خواه در زیر سایهٔ اسلام همه جا اینست که شخص همینکه از حاصل کار خود
مطمئن شد خوب کار میکند و همین که از حفظ مال خود تردید پیدا کرد
بی اختیار از کار خسته و عاجز میشود

بهترین محرک و مشوق کار آبادانی اینست که از مال و جان خود مطمئن باشند

چرا گبرهای کرمان همه گدا هستند و گبرهای بمبئی کرورها دارند
بدلیل اینکه در کرمان امنیت جانی و مالی نیست و در بمبئی
هست

چرا قیمت

چرا قیمت املاک در فرنگستان سیصد مقابل بیشتر از قیمت املاک ایران است
بجهت اینکه در فرنگستان امنیت املاک هست و در ایران نیست

امنیت مالی و جانی بهیچوجه بسته برأفت و عدالت شخص پادشاه نیست

ذات مقدس شاهنشاه ایران از جمیع سلاطین روی زمین رئوف تر
و عادل تر است ولیکن عدالت شخص یک پادشاه اصلاً دخل

به عدالت اداره نمایید

رأفت ذاتی پادشاه از چه طرف بفریاد کدام مظلوم بیچارگان خواهد رسید

امنیت مال و جان بسته بعدالت اداره است

عدالت اداره در هر جا عدالتخانه لازم دارد

عدالتخانه قوانین لازم دارد

بدون عدالتخانه‌ها و بدون قوانین وضع شده صحیح حفظ امنیت
مال و جان محال است

امنیت جان و مال اولین اساس آبادی دنیا است

در ممالکی که امنیت جان و مال نیست مردم سرمایه خود را بقدر امکان
پنهان و معاملات خود را بقدر قوه محدود میسازند

در حالیکه امنیت مال و جان نیست مردم بهزار زحمت و تقلب و بزور

هر نوع رشوه و تدبیر خود را به پناه دولت خارجه می اندازند.

در حالیکه امنیت مال و جان نیست تعاون و مجمعها و کارخانه‌ها

و عموم قوای طبیعت بیکار

و جمیع نهرهای آن معطل

و تمام دولت غرق دریای فقر میمانند

چرا خلق بلژیک چهار مرتبه از خلق کوهستان بیشتر کار میکنند

بجهة اینکه از حفظ حاصل کار خود مطمئن هستند

چرا رعیت فرنگستان بدون هیچ اشکال با کمال رضایت ده

مقابل بیشتر از رعیت افغان بدولت خود مالیات میدهند

بجهة اینکه با امنیت مال و جان از کار خود پنجاه مرتبه بیشتر از رعیت افغان

حاصل برمیدارند

چرا سلاطین فرنگستان همه جا ضمانت جانی و مالی تبعه خود را اولین

تکلیف سلطنت خود قرار داده اند

بجهة اینکه از روی همه علم و تجربه کاملاً معتقد شده اند که امروز اولین
شرط سلطنت و بهترین ضامن بقای سلطنت امنیت جانی و مالی است

چه باید کرد که خزانه و عساکر و قدرت و آسایش و شوکت سلطنت ایران
یک بر صد افزوده شود

باید در ایران امنیت جانی و مالی را مقرر ساخت

استقرار امنیت جانی و مالی بهزار ملاحظه امروز برای دول آسیا اهم
واقدم تکالیف عقل شناست

بسبب عمده عداوت و نفرت ملل فرنگستان نسبت بدول آسیا همینست
که میگویند دول آسیا یک قسمت ممتاز کره زمین را بواسطه عدم امنیت
جانی و مالی غرق دریای ذلت و ننگ بنی آدم ساخته اند

دول فرنگستان بواسطهٔ همین عدم امنیت مال و جان ضبط و تصرف
کل ممالک آسیا را حق اینها و وظیفهٔ حتمی خود قرار داده‌اند

امروز بلاحرف خطر بزرگ خطر اصلی خطر مهلک دول آسیا بر این
ایراد عمومی است که میگویند دول آسیا امنیت جان و مال ندارند

خواه بیجا و خواه بجا خواه امروز خواه فردا در هر نقطهٔ آسیا که امنیت
مال و جان نیست محال عقلی است که بیدق فرنگستان بر آن نقطه
نصب نشود

جوش و طغیان قدرت فرنگستان خارج از تصور ماست

از برای اینکه بفهمیم جریان قدرت فرنگستان در اطراف عالم منتج چه
نتایج خواهد بود باید این فقره را همیشه در مد نظر داشته باشیم که مقصود واحد
ملل فرنگستان اینست که زیاد علم و سرمایه داشته باشند زیاد اسلحه
بعمل بیاورند زیاد پول جمع بکنند و بقدر قوّه در دنیا خوب تعیش نمایند

حصول این مقصود موافق مذهب فرنگستان میسر نخواهد بود مگر در یک مملکت که
اهالی آن در نهایت ترقی باشند

ترقی اهالی بحکم مذهب این عهد یک شرط عمده وجود که در نظر ما بکلی
مجهول و از برای دول فرنگستان محل منتهای توجه است

موافق مذهب علمای فرنگستان اهالی یک ملک ترقی نخواهد کرد مگر اینکه
اهالی ممالک اطراف هم در ترقی باشند

تحقیق این عقیده علمای فرنگستان برای ما خیلی واجب است زیرا که اغلب
بلکه عموم حرکات دول فرنگستان در ممالک خارجه مبنی بر این عقیده است

اهالی یک ملک چنانکه مکرر در این کتابچه تصریح شد بسته به ثروت ایشان
و موقوف بوسعت داد و ستد است

بدیهی است که داد و ستد یک ملک با ممالک دیگر در صورتی ممکن
خواهد بود که ممالک دیگر هم آباد باشند

اگر افغانستان هیچ چیز بخارج نفروشد از خارج هم هیچ چیز نخواهد خرید

اگر ایران سالی دویست کرور تومان متاع بخارج بفروشد دویست کرور تومان هم
از خارج متاع خواهد خرید

یک مملکت هر قدر بیشتر آباد شود از مملکت دیگر زیادتر متاع خواهد خرید
و بهمین واسطه اسباب مزید آبادی آن مملکت دیگر خواهد بود

اگر امسال دولت بلژیک ده مقابل از پارسال بیشتر متاع بعمل بیاورد
از فرانسه هم ده مقابل بیشتر متاع خواهد خرید و بهمان نسبت اسباب
مزید آبادی فرانسه خواهد شد

اگر سال آینده تجارت تغییر دهد و درجه تنزل کند از بلژیک ده درجه کمتر

چیز خواهد

چیز خواهد خرید و بهمان اندازه اسباب تنزل بلژیک خواهد بود

موافق علم فرنگستان از برای آبادی مردم لازم است که همسایگان آباد باشند

اگر هند آباد باشد بوشهر آباد خواهد شد

اگر حاجی ترخان خراب بشود ممکن نیست که بر مازندران ضرر کلی وارد نیاید

اگر اطراف انگلیس همه فقیر باشند انگلیس هم حتماً فقیر خواهد بود

از برای اینکه انگلیس بتواند بخارجه زیاد چیز بفروشد باید خارجه هم بقدری آباد باشد که بتواند از انگلیس زیاد چیز بخرد

اگر بر این مطالب اساسی تأکیدات مکرره نشود نتیجه‌ای که در آخر منظور است مفهوم نخواهد شد

موافق مذهب علمی فرنگستان حکمت الهی عموم ممالک دنیا را شریک آبادی و خرابی همدیگر ساخته است

موافق حساب فرنگستان اگر آسیا آباد بشود بر آبادی فرنگستان یک بر چند خواهد افزود

بحکم این مذهب علمی ملل فرنگستان از صمیم قلب و با نهایت حرص طالب و مشوق آبادی کل ممالک دنیا هستند

ملل فرنگستان در ممالک خارجه هیچ کار و مقصودی ندارند مگر ازدیاد آبادی و توسیع تجارت دنیا

عهدنامه‌جات و لشکرکشی و تسخیرات فرنگستان در آسیا حالا عموماً مبنی بر این مقصود تجارت است

دوستی و عداوت ملل فرنگستان کلاً راجع باین طرح واحد است

هر دولتی که ممالک خود را آباد و تجارت دنیا را زیاد میکند ملل فرنگستان بحکم مصلحت خود مجبوراً دوست و حامی اندولت هستند

و بر خلاف آن هر دولتی که مانع آبادی ملک خود و مخل رونق تجارت دنیا میشود دول فرنگستان اندولت را دشمن بنی انسان و دفع او را از برای ترقی دنیا واجب میشمارند

ملل فرنگستان عموماً از روی صدق منکر تسخیرات خارجه هستند میگویند تسخیرات خارجه اصلاً هیچ فایده ندارند مگر اینکه منصب و نشان و ستمری وزرا و سرکرده‌های ما را زیاد بکنند چیزیکه ما خلق فرنگستان در خارج لازم داریم اینست که ممالک خارجه آباد و تجارت آنها باز باشد

این حرف خیلی طول و تفصیل و از برای ما خیلی تازگی دارد

تحقیق این حرف خارج از دایره این کتابچه خواهد بود

ملل فرنگستان همیشه با کمال میل حاضر هستند که هر قدر لازم باشد بدولت خود
پول و لشکر و کشتی بدهند که بروند در اطراف دنیا از برای تجارت
خانه میدانهای تازه باز نمایند

دول فرنگستان در ضمن این اقدامات گاهی مجبور میشوند که بعضی از ممالک
خارجه را تصرف نمایند

مقصود ایشان از این تصرفات بهیچوجه مملکت گیری نیست
مقصود اصلی ایشان فقط کسب منافع تجارتی است

از برای اثبات این معنی این یک نکته کافی است که مالیات اغلب آن
ممالک خارجه که دول فرنگستان در تصرف خود دارند کفایت خرج فقط

و اداره آن ممالک را نمیکند

از مالیات هند یکدینار عاید خزانه انگلیس نمیشود

منافع دول فرنگستان از تصرفات خارجه فقط از ممر تجارت است

این معنی را عقلای آسیا قبول کرده اند زیرا که از معنی و قدرت تجارت
با خبر هستند

این فقره اصلا را باید هرگز فراموش نکرد که موافق علوم فرنگستان از برای
تمول یک ملت بجز کثرت امتعه و کثرت تجارت در دنیا هیچ راه دیگر نیست

در نظر اهل فرنگستان تمام کرهٔ زمین یک کارخانه ایست که همه مردم باید با شعور و با طمینان در آنجا کار بکنند و هر قدر کار بکنند منافع کارخانه از برای همه کس بیشتر خواهد بود

اگر یک دولت یک قسمت عمدهٔ این کارخانه دنیا را تصرف نماید و در آن قسمت نه خود آندولت کار بکند و نه بگذارد که دیگران بیایند کار بکنند معلوم است وجود آندولت در میان کارخانه عامه اسباب اغتشاش و ضرر کل خواهد بود و شک نیست که یک روزی بحکم مصلحت عامه واجب خواهد آمد که اهل کارخانه وجود چنان دستگاه مضر را از میان خود برطرف نمایند

اولیای دول آسیا از این اقتضای ترقی دنیا و از این عدالت تقدیر الهی نباید بیش از اینها غافل بمانند .

بازهم باید تکرار کرد

مدار و زندگی دنیا امروز بر تجارت دنیاست

اهمیت و شرایط تجارت با آن اختصار و سادگی نیست که ما مشرقیها
در دایرهٔ فقر حالیهٔ خود تصور میکنیم

علوم و تجربهٔ طولانی فرنگستان بجهت توسیع عوالم تجارت چنان دستگاههای
معظم و چنان ترتیبات عجیب ایجاد کرده که عقل بشری در تحقیق هر یک

از آنها

از آنها سالها متحیر میماند

یکی از آن ترتیبات حیرت انگیز بجهت اجرای تجارت در فرنگستان صنع و تشکیل
آن دستگاه مخصوص است که شراکت و به عبارت فرنگی کمپانی میگویند

راههای آهنی و کارخانه جات معتبر و تجارتهای عمده و بناهای عمومی
و جمیع کارهای بزرگ بتوسط کمپانیها ساخته میشود

آنچه کمپانیها میکنند یعنی آنچه بشراکت و باتفاق مردم ساخته میشود محال است
که آحاد ناس بتوانند به تنهائی صورت بدهند

بدون کمپانیهای معتبر آبادی ایران هرگز میسر نخواهد بود

اولیای ایران بهر تدبیر که باشد باید رسم کمپانیها را در ایران متداول
و بقدر قوّه تقویت و زیاد نمایند

با اوضاع حالیهٔ ایران ترتیب کمپانی در ایران محال است

ترتیب کمپانی قوانین و دیوانخانهای مخصوص لازم دارد
هیچیک از این قوانین و دیوانخانها در ایران نیست

در هر ملکی که حقوق و تکالیف کمپانیها مبنی بر قوانین دولتی نباشد هیچکس

به کمپانیها

به کمپانیهای آنملک اعتبار نخواهد کرد

دول و ملل فرنگستان بهزار تجربه و از روی حکمتهای عمیق قوانین حدود
و اداره کمپانیها را بقدریکه در قوهٔ عقل بشری باشد مضبوط و محکم کرده‌اند

اگر چهل نفر آدم معقول در ایران جمع بشوند و یک کمپانی بسازند خلق
فرنگستان یک دینار بآن کمپانی اعتبار نخواهند کرد
امّا اگر پنج نفر آدم نامعقول در لندن یک کمپانی بسازند ممکن است
که خلق فرنگستان به آنکه آن پنج نفر را بشناسند پنجاه کرور بآنها پول بدهند

به چه سبب

بسبب اینکه در فرنگستان همه کس میداند که در باب ادارهٔ کمپانیها قوانین و ترتیب دیوانخانهای تفتیش بطوری دقیق و محکم است که صاحبان یک کمپانی نمیتوانند پول مردم را بدون جزاهای کلی تفریط نمایند و لیکن چون در ایران هنوز بجهة ادارهٔ کمپانیها هیچ قانون وضع نشده و بواسطهٔ عدم قانون وجود هیچ دیوانخانه ممکن نیست لهذا از برای درستی حرکات یک کمپانی ایرانی هیچ اطمینان حتی هیچ احتمال درستی از برای خلق حاصل نمیشود

با قوانین و رسوم حالیهٔ ایران ترتیب کمپانیهای بومی از جملهٔ خیالات واهیست

از برای آبادی ایران کمپانیها را باید از خارج آورد

عقلای ایران هنوز بر این عقیده هستند که کمپانیهای خارجه ایران را خواهند گرفت

در این عقیده یک دنیا جهالت هست

شرح عظمت این جهالت آسان نخواهد بود

آن علوم و آن اطلاعاتیکه عقلای خارجه بهزار زحمت بعد از بیست سال اجتهاد تحصیل میکنند ما هر قدر هم عاقل باشیم نباید توقع نمائیم که در یک مجلس تحصیل نمائیم

همه را احاطه و درک نمائیم

اگر یک شیخ عرب بگوید طواف از نفس اجنه و موجب تعفن و بنا است
هیچکس این عقیده او را نمیتواند به یک صفحه تحریر تغییر بدهد

در فرنگستان البته هر کدور کمپانی هست

حق یک کمپانی خارجه با حق یک رعیت خارجه هیچ فرق ندارد

فواید حضور یک کمپانی خارجه از برای ایران ممکن است که زودها باشد
ولیکن منتهای ضرر و زحمت یک کمپانی خارجه برای ما فقط همانقدر خواهد بود
که امروز از حضور هر رعیت خارجه برای ما محتمل است

اگر از یک کمپانی خارجی میترسیم باید از یک رعیت خارجی هم بترسیم
و اگر از رعیت خارجی میترسیم میبایست حدود خود را بر رعایای خارجی
مسدود بداریم و اگر بفرض محال در چنان تدبیر خود موفق میشدیم
ایران چه میشد همانکه خیوه و بخارا و تمام ترکستان از این جهان
پذیر شدند

اجتناب از مراودهٔ خارجه هرگز هیچ ملکی را از استیلای خارجه معاف نخواهد داشت

بعضی از عقلای ما که میخواهند عاقلتر باشند میگویند کمپانیهای خارجه اگر هم
ایرانرا بگیرند آنچه در ایران باقی مانده آنرا هم خواهند برد

غلط دائمی اهل ایران در تحقیق تجارت خارجه هست که خیال میکنند
خلق یک ملک میتوانند در عالم تجارت یک ملک دیگر را غارت بکنند

در عالم تجارت اخذ یک مال بدون عطای یک مالِ مساوی ممکن نیست

اگر کل کمپانیهای فرنگستان جمع بشوند در عالم تجارت هرگز نخواهند توانست
ذره از اموال موجودهٔ اسلامبول یا چین یا بندر بوشهر یکدینار بلاعوض بیرون ببرند

ممکن است که یک تاجر یا یک کمپانی خارجه در اسلامبول یا در طهران بعضی
از تجار ما را به تقلب فریب بدهد

تقلب و دزدی دخلی بکسب ندارد

تقلب یک کمپانی مثل دزدی قطاع الطریق جزو کسب نیست

بدگمانی و احتراز ما از کمپانیهای خارجه تا امروز دلیل بی‌علمی ما و سد آبادی ایران بوده

باید از روی اطمینانِ علم این سد را از میان برداشت

باید اولیای دولت علیه ساختن راه‌های آهنی و عمل معادن و ترتیب بانکها
و جمیع کارها و بناهای عمومی را بلاتردید محول به کمپانیها نمایند

کمپانیها بدون امتیازات دولتی بایران نخواهند آمد

دولت ایران باید هرقدر بتواند به کمپانیهای خارجه امتیاز بدهد

امتیاز از بهر آنست که کمپانیها از منافع آینده خود مطمئن باشند

اگر یک کمپانی از مداخل آینده خود امید کامل نداشته باشد پول نقد خود را
در احتمالات بعیده بخطر نمی‌اندازد

اولیای دولت علیه عطای امتیاز را در حق کمپانیهای خارجه یک مرحمت فوق العاده تصور میکنند

حقیقت مطلب برعکس است

دولت ایران باید خیلی خوشوقت و متشکر باشد که کمپانیهای خارجه با احتمال منافع بسیار مبهم سرمایه های مادی و علمی خود را بیاورند صرف آبادی ایران نمایند

بعنوان بیان لمعه که در خصوص کمپانیها و امتیازات خارجه اولیای دولت علیه چه نوع اشتباهات داشته اند

هر کس از دولت ایران یک امتیاز میخواهد دولت میگوید بمن چه میدهی

این سؤال دولت اغلب اوقات صد قسم منفعت را از ایران و اهل آن محو میکند

اگر دولت در عوض یک امتیاز یک چیز هم دستی بدهد جایز است که معادل آنچه دست میدهد یک منفعتی از صاحب امتیاز بخواهد

اما اگر دولت از خزانه یا از منافع موجوده خود چیزی نمیدهد از صاحب امتیاز توقع منفعت فوری منتهای بی اطلاعی است

کمپانیهای خارجه هر آبادی بکنند بالطبع جزو ملکیات آن آبادی عاید دولت متبوعه

اگر یک کمپانی بگوید کویر حوض سلطان را آباد خواهم کرد دولت نباید
از آن کمپانی چیز بخواهد
آبادی آن کویر منفعت دولت خواهد بود

اگر کسی بگوید من از فلان کار که تا امروز هیچ فایده نداشته سالی کرور
منفعت حاصل خواهم کرد دولت باید با نهایت خوشوقتی نهایت تقویت را
از او بکند نه اینکه بگوید چون تو بمن چیز نمیدهی منهم نمیگذارم از آن
کار منفعت ببری

از کثرت

از کثرت مداخل کمپانی نباید حسد برد

اگر کمپانیها مداخل نکنند بایران نخواهند آمد و اگر نیایند ایران آباد نخواهد شد زیاد

کمپانیها در ایران هر قدر مداخل بکنند و مداخل خود را هر قدر
بخارج بفرستند ممکن نیست که یک قسمت کلی آن از برای خلق
و دولت ایران نماند

جمیع ممالک خارجه پر هستند از کمپانیهای خارجه

لکن یک کمپانی روسی لیل روس را ابرد و نکات انگلیس و از رودخانها
و صحراهای بایر آنجا ساختهایست که در منفعت به جهت خلق انگلیس جان
و دولت همین آن کمپانی خواهند بود زیرا که بدون ضرر انگلیس در خاک
انگلیس ثروت که در مال تولید کند و در هر صورت اسباب مزید
ثروت انگلیس شما است

لکن یک کمپانی خارجه بیاید در ایران یک معدن الماس پیدا کند
و ده کرور منفعت ببرد دولت را جای تأسف و غوغا نخواهد بود زیرا که
بدون ضرر ایشان ده کرور بر اهالی ایران افزوده خواهد شد

═══

دولت عثمانی نمیتواند و نباید به کمپانیهای خارجه اعتبار بدهد ولیکن
ایران و چین و افغانستان باید به هر نوع اعتبار و به هر نوع تقویت
به هر تدبیر و به هر التماس عمله کمپانیهای خارجه را در ممالک خود پیدا نمایند

فرق عثمانی با آن ممالک در چیست ؟

این مسئله را باید از تاریخ دنیا پرسید

دولت ایران به بعضی کمپانیها واز برای بعضی کارها علاوه بر امتیاز
و علاوه بر ضمانت باید مبالغی درستی پول بدهد

بجهة ساختن راه آهن ایران از شوشتر تا طهران اگر دولت ایران
علاوه بر هر نوع امتیاز ده کرور هم پول نقد بدهد باز کرورها
منفعت دولت خواهد بود

امتیاز را باید باشخاص معتبر داد

یکی از بدبختی های ایران این شد که باشخاص بی سروپا امتیاز دادیم

آن کارها که هفت سال پیش از این توسط کمپانیها در ایران سهل بود این
اوقات بواسطه بی اعتباری امتیازات ما محال شده است

لکن روچیلد از ایران حتماً یک اعتباری نخواهد ولکن از برای همان اعتبار شخص فرنگی که پنجاه هزار تومان پیشکش بدهد باید پنجاه هزار تومان آن شخص را رو کرد و آن اعتبار را سلامت داد به روچیلد سهل است لکن البته باید مبلغ درستی به روچیلد داد که اعتبار ما را قبول نماید

حرف غریب !

در فرنگستان هیچ حرفی نیست که به نظر ما غریب نیاید

عموم مطالب این کتابچه از رسوم قدیمهٔ آسیا خیلی بعید و غالب نقطهٔ مقابل عقاید حالیهٔ ما است

جمیع مطالب این کتابچه را البته خیلی خوب میتوان روشن و ثابت کرد اما محض وزرا را نمیتوان حق تدریس این مطالب قرار داد

آن اشخاص دولت که بر این مطالب بحث و تردید دارند میبایست بحث و تردیدات خود را خیلی بیشتر از اینها در مدرسه‌ها قطع و فصل کرده باشند

مقصود از این کتابچه فقط ثبت بعضی از اصول است

بر هر یک از این اصول ابسته پانصد جلد کتاب نوشته اند

بر هر یک از این اصول سالها و قرنها تجربه کرده اند

کل علوم و تدابیر فرنگستان راجع به تکمیل این اصول و از برای تقویت اجرای این اصول است

دربیان

در بیان مسائل این کتابچه هر قدر لکن باشد روح مطلب و تکلیف دولت ایران مثل روز روشن مشخص است

خلاصه احکام قطعی که از اصول این کتابچه جاری میشود از این قرار است

بقای دولت ایران بعد از این ممکن نخواهد بود مگر به آبادی ایران

آبادی ایران حاصل نخواهد شد مگر اینکه خلق ایران

زیاد کار بکنند

زیاد امتعه بعمل بیاورند

و زیاد داد و ستد نمایند

از برای اینکه خلق ایران بتوانند بیش از سایر ملل کار بکنند

باید از جان و مال خود مطمئن باشند

باید سرمایه مادی و علمی داشته باشند

از برای استقرار امنیت جانی و مالی باید در جمیع ولایات ایران دیوانخانهای منظم برقرار کرد

باید از برای کل ایران یک پولیس قوی ترتیب داد

باید از برای کل حقوق اداره قوانین صریح وضع نمود

باید در مرکز دولت یک مجلس قوانین بر بنائی بسیار معتبر برپا کرد

باید بواسطه تعهدات قوی و اعلانات دولتی به عموم خلق ایران مژده آسمانی داد که بعد از این امنیت جانی و مالی اولین اساس دولت و اولین قانون اداره ایران خواهد بود

از برای اینکه خلق ایران بتوانند مثل سایر ملل زیاد امتعه بعمل بیاورند

باید زراعت و تجارت را بواسطه قوانین و ترتیبات صحیح بقدر قوه حمایت
و تقویت کرد

باید راه آهن ساخت

باید معادن و جنگلها را بکار انداخت

باید امتعه ایران را ارزان کرد

باید گمرکها

باید گمرکها و راهداریهای داخله را بکلی منسوخ کرد

باید مسکوکات ایران را بدون کم و زیاد مثل مسکوکات فرانسه
و بلژیک و ایطالیا و آوستریا قرار داد

از برای اینکه خلق ایران بتوانند از سرمایه های ایران و از سرمایه های
خارجه مثل سایر ملل فایده بردارند

باید در ایران اقسام بانکها ترتیب داد

باید موافق علوم و رسوم خارجه از خارج سرمایه بایران آورد

باید کمپانیهای خارجه را بایران دعوت و جلب کرد

باید به کمپانیهای خارجه امتیازهای معتبر داد

باید از مداخل کمپانیها حسد نبرد

از برای اینکه سرمایهٔ ملی ایران زیاد بشود

باید مدارس عالیهٔ ایران را موافق اصول تازه منظم ساخت

باید بقدر

باید بقدر قوه مدارس تازه ساخت

باید اقلاً دویست نفر شاگرد بفرنگستان فرستاد۲

۲ [illegible]

از برای اینکه اهالی ایران در ارتباط تجارتی ملزوم و شریک اهالی دنیا بشوند

باید جمیع بنادر و رودخانها را الآن باز کرد

باید از تجارت خارجه نترسید

باید بعموم خلق دنیا اذن داد و تشویق کرد که هر قدر بتوانند از خارج مال بیاورند و از ایران مال ببرند

این چند اصول که سرچشمهٔ آبادی دنیا هستند

جمیع ترقیات و قدرتهای فرنگستان کلاً و جزءاً حاصل و ثمرات این اصول هستند

خارج از این اصول بعد از این در دنیا هیچ سلطنت و هیچ دولتی نخواهد ماند

اگر اولیای دولت علیهٔ حقیقةً طالب حفظ دولت ایران هستند باید جمیع

این اصول را که همه دول منتظم بلا تردید و بلا تأمل قبول نمایند

باید جمیع قوانین و احکام و پولیتیک و حرکات و اقوال خود را نقطه به نقطه بر طبق این اصول قرار بدهند

باید هر عمل و هر قرار و هر عادت که خلاف این اصول باشد بدون سؤال و جواب بلا درنگ از ممالک خود رفع نمایند

از مقدرات این کتابچه نباید تعجب کرد

معانی و قدرت این اصول را نباید سهل شمرد

اگر در این سی سال گذشته موافق این اصول حرکت کرده بودیم حالا
دولت ایران مالک آسیا میشد

وقت اجرای این اصول هنوز در ایران نگذشته است

سرنوشت ایران هنوز در دست اولیای ایران است

اگر امروز شروع باجرای این اصول نمایند بعد از ده سال در ایران
نه یک قنات کهنه خواهد ماند نه یک ده خراب و نه یک آدم بیکار

مردم آنچه سرمایه دارند بدون ترس بمیدان خواهند آورد

آنچه استعداد و هنر ذاتی دارند بدون مانع بکار خواهند انداخت

زراعت و تجارت ما صد مرتبه وسیع

آسایش و زندگی ما صد مقابل بهتر

پول و قدرت و استقلال و شوکت دولت صد درجه زیادتر خواهد شد

اینکه وزرای سابق ایران این اصول را اجرا نداشتند سبب آن واضح است

بیچاره‌ها بدبخت از معانی و قدرت این اصول کماهی بیخبر بودند

نمیتوان عدم اقدام آنها را حمل بر اغراض شخصی کرد زیرا که اکثر فی الجمله

علم میداشتند ازان مسند عالی خود زودتر و بهتر از هر کس ملتفت میشدند

که علاوه بر صلاح دولت علاوه بر خیر مخلوق خدا منافع شخصی خودشان

و سعادت اولادشان و نجات دنیا و آخرت ایشان بسته

باجرای این اصول است

عدم علم رؤسای سابق ایران از برای ایشان تقصیر نیست بدبختی ایشان
این بود که نتوانستند تصور بکنند که خارج از عقل ناقص ایشان از برای
حسن اداره دول چه نوع علم و فن مخصوص در دنیا پیدا شده

خیلی وزرا و امرای بی علم بوده‌اند که در دنیا مصدر کارهای بزرگ شده‌اند
علم نداشتند ولی معتقد علم بوده‌اند

محمد علی پاشای مصری سواد نداشت اما با استمداد علوم خارجه با اعظم دول
فرنگستان برابری کرد

در همین اوقات وزرای ژاپون بی آنکه علم داشته باشند بواسطه حسن
اعتقاد خود نسبت بعلوم خارجه تحریک ملک خود و موجب حیرت دنیا شده‌اند

عقلای حالیهٔ ما یا بجهة پوشاندن بی‌علمی خود یا واقعاً از روی صدق
این بحث را بمیان خواهند آورد
خواهند گفت ما بر محسّنات معنوی این اصول حرف نداریم اما اگر ما در
در معدن‌خانه‌ها و تجارت ایران را انتظام بخواهید برای عموم دول باز نمائیم
و اگر کمپانیهای خارجه را موافق آرزوی فرنگیها از هر طرف با ایران
دعوت نمائیم آنوقت در کار به راه و رخنهٔ ایران را بزودی پیدا خواهند کرد
و آنوقت گرفتن ایران از برای آنها خیلی سهل خواهد شد

این حرف بحکم عقل آسیا خیلی صحیح است
ولیکن اگر مطلب را از روی عموم این عهد درست بشکافیم خواهیم دید که
این تصوّر عقلای ما نقطهٔ مقابل وضع حالیهٔ دنیاست

قدرت دول فرنگستان نسبت به آسیا چنان قاهر و اسباب استیلای
ایشان بقدری زیاد است که از برای گرفتن ولایات ما نه حیلت‌بازی
لازم دارند و نه محتاج تهیهٔ مقدّمات هستند

آنروز که دولت انگلیس خواست مصر را بگیرد مصر گرفته شد

آن دقیقه که فرانسه ۳ بخواهد پایتخت چین را مسخّر کند پایتخت چین مسخّر خواهد شد

با فلان خان ترکمن یا فلان شیخ کرد بجهت پیشرفت قصد خود باید
راه و چند کار سالها قبل از وقت تهیه نماید اما از برای قدرت روس
در تفصیل چه حاجت است که بر سرحدات ما مطلق تدارک و محتاج تقلب باشند

بیست و پنج سال قبل از این یکی از وزرای بزرگ ایران گفت راه گیلان را
نباید ساخت که مبادا لشکر روس از آن راه داخل ایران شود

عقلای ما مدتها تدبیرها کردند که روسها در آشوراده بیمارخانه نسازند

سالها اهتمام کردند که در بندر جز از چند تکه پاره یک اسکله ساخته نشود

این تدابیر طفلانه کدام اقدام پولیتیک روس را توانست یک دقیقه به تأخیر بیندازد

اگر بعض

اگر بعضی از وزرای ما بر این عقیده هستند که اگر رود کشتیهای خارجه را
در رفت و آمد کارون منع نماید عربستان ما از شر خارجی محفوظ خواهد ماند

ما باید چه قدر از حقیقت اوضاع دنیا بی‌خبر باشیم که این نوع تدابیر را
سد تسخیرات فرنگستان بدانیم

اگر دولت ینگی دنیا یا دولت هولند بخواهد شوشتر را آتش بزند از برای
کشتیهای جنگ آنها چه فرق خواهد کرد که تجار آنها در بوشهر انبار تجارتی
داشته باشند یا نداشته باشند

وقتی در لندن قرار دادند که اسکندریه گرفته شود آنهمه قلعجات بری و سدود بحری و جوش و خروش ملّا و آنهمه تقلیدهای نظام فرنگ کدام نقطهٔ عزم انگلیس را توانستند تغییر دهند

با وصف این هنوز وزرای ما چنان میدانند که انگلیس محمّره را نمیگیرد بواسطهٔ اینکه در آنصفحات قونسول و تجارت ندارد

هنوز جمعی بر این عقیده هستند که کودهنهٔ مرداب انزلی را از حجر نگاه بدارند دولت روس بجهت تسخیر گیلان معطّل خواهد ماند

مگر باید که ما خلق ایران در این عهد هنوز گرفتار این نوع عقاید باشیم

دولت ایران از قصد دول خارجه البته باید نهایت احتیاط و وحشت را داشته باشد

خطر استیلای خارجه صد مرتبه بیشتر و نزدیکتر از آنست که عقلای ما تصور کنند

ولیکن ما نباید از ترقی دنیا اینقدر غافل باشیم که در مقابل استیلای فرنگستان امید بقای خود را بر کهنه رسوم جهالت آسیا قرار بدهیم

از برای اینکه در مقابل مملکت گیری فرنگستان بتوانیم تدبیر نمائیم باید
اول پیش خود درست بشکافیم که مقصود مملکت گیری آنها چیست

مقصود اصلی فرنگستان چنانکه از هر صفحهٔ این کتابچه برهان میشود
هر کار و در هر مقام فقط کسب منافع مادّی است

پولیتیک و حرکات دول فرنگستان اگرچه در اصل و در معنی راجع باین
یک مقصود است ولیکن جنگ و صلح ایشان بر حسب ظاهر مبنی بر دو نوع
ملاحظات است
یا ملاحظات پولیتیک
یا ملاحظات تجارت

انگلیس بنگاله را بجهة منافع تجارتی گرفت اما جنگ آن دولت در قریم
بجهة ملاحظات پولیتیک بود

روس بحکم ملاحظات پولیتیک بمرو و به هرات میرود اما انگلیس
و از ۳ بسمت چین محض منافع تجارتی است

این دو قسم مملکت گیری را نباید با هم مشتبه کرد

آنولایاتیکه دول فرنگستان باقتضای یک پولیتیک عالی دائم مجبوراً
ضبط مینمایند آنولایات را از چنگ آنها نمیتوان خلاص کرد مگر بزور توپ

روس باقتضای پولتیک یا نخواهد حقاً بدانجا خواهد رفت مگر اینکه
بزور توپ او را منع نماید

و آنگه مجبوراً باسترداد قلعه تشس قیام خواهد کرد مگر اینکه توپ آلمانیا
او را مغلوب نگاه بدارد

آن ولایتیکه خارج از مقتضیات پولتیک هستند و دول فرنگستان
میخواهند فقط بجهة منافع تجارتی بگیرند آن ولایات را اختیار خود میتوان
بحسن تدبیر از قصد خارجه محفوظ نگاه داشت

بجهة محافظت این قبیل ممالک دو چیز لازم است
یکی اینکه انتظام و آبادی آن ممالک روز بروز در ترقی باشد
دوم اینکه عموم دول خارجه در آن ممالک تجارت گماشته باشند

اگر آذربایجان چنانکه باید آباد شود علاوه بر اینکه آذوقه گرجستان را
خواهد داد بواسطه آبادی و تجارت خود بر آبادی عموم ممالک قفقازیه
یک برده خواهد افزود و در آنصورت دولت روس چندان مجبوریت
و فایده نخواهد داشت که آن ولایت را از ایران غصب نماید ولیکن اگر ما
آذربایجان را خراب و اسباب خرابی ممالک قفقازیه بسازیم دولت
روس مجبور خواهد بود که آن مملکت سالم طبیعت از دست ما
بیرون بیاورد

اگر دولت ایران آن همه نعمات گیلان و مازندران را که امروز
برای دنیا بمصرف میگذارند از قدرت دولت روس خارج خواهد
که بتواند از تصرف آن ولایات صرف نظر نماید

ولیکن اگر دولت ایران این دو ولایت خود را طوری منظم و آباد
نگاه بدارد که خلق روس بتوانند در آن ممالک سالی صد کرور تجارت بنمایند
آنوقت بچندین دلیل میتوان گفت که دولت روس بهمان قدر منافع تجارتی
اکتفا خواهد کرد و باعث خود را بمرارت و مخارج ضبط آن ولایات
نخواهد انداخت

چون اولیای آسیا هرگز مزایای قدرت و منافع تجارت را نتوانسته اند
بفهمند این حرف را هم هرگز قبول نخواهند کرد که یک دولت قوت قصد
خود را در خصوص ممالک خارجه محض ملاحظات تجارتی تغییر بدهد

اینهم یکی از آن مسائلی است که خیلی خوب میتوان بیان کرد اما در مدرسه[۳]

علی العجاله اولیای دولت ایران این فقره را هر طوری هست باید بذهن
خود بفهمانند که از برای دول آسیا بهترین اسلحه جهت دفع استیلای خارجه
اینست که بقدر قوه تجارت خود را بعموم ممالک خارجه وسعت
بدهند

دولت انگلیس با اینکه مدتیست مصر را در قبضهٔ تصرف خود در آورده هر روز
مجبوراً اعلام میکند و اطمینان میدهد که آن ملک را عنقریب تخلیه خواهد کرد

چرا

بجهت اینکه اغلب دول فرنگستان بواسطهٔ کثرت مصالح تجارتی خود
در مصر مدعی انگلیس هستند

دولت فرانسه در این دو سال خیلی خوب میتوانست بنادر و پایتخت چین را
بدون مرارت کلّی بگیرد
اینکه نگرفت بیشتر بهیچوجه از حسن کفایت وزرای چین نبود

چون همه دول در آن بنادر تجارت کلّی دارند بفرانسه گفتند جنگ تا
به تجارت ما خللی وارد خواهد آمد
در مقابل همین حرف کشتیهای جنگی فرانسه بر سواحل چین دو سال معطل ماندند

اولیای دولت علیّهٔ ایران این نکته را باید مخصوصاً در نظر داشته باشند
که بر سواحل چین در این دو سال حملهٔ فرانسه فقط و فقط برآنست چین
بعد که عقلای چین بنادر و درب خانها و تجارتش را بدول نیز به
سد قوی نگاه داشته بعد

ممالک آسیا که با خارجه تجارت زیاد ندارند در دنیا تنها و [illegible] باشند
حفاظ طمع دیگر از دول خارجه خواهند بود

امروز هر دولت فرنگ که بخواهد بندر بوشهر و محمره را در ساعت آتش
خواهد زد بی آنکه هیچیک از دول خارجه هیچ حق ایراد داشته باشند
بدیهی است که اگر در آن بنادر ده هزار کشتی خارجه بود تعدی
خارجه باین شدت سهل نمیشد

با اوضاع

با اوضاع حالیه ایران دولت روس میتواند کل بنادر بحر خزر را
در یک شب ضبط کند
اما اگر در آن سواحل چند کمپانی المانیا و انگلیس و فرانسه بو
ید آن استیلای خارجه شدن امروز صاف نمیشد

اگر امروز یک دولتی به یک بندر ژاپون دست برند چون عموم ملل
در آن ممالک تجارت کلّی دارند عموم دول مجبوراً به حمایت ژاپون بر خواهند
خاست ولیکن اگر خدای نخواسته سیل استیلای خارجه استقلال دولت
ایران را منهدم نماید چون این حادثه برای تجارت فرنگستان هیچ
ضرری نخواهد داشت و بلکه امید تجارت آینده دنیا را زیادتر خواهد ساخت

ملل فرنگستان برای حفظ استقلال ما یک انگشت هم حرکت نخواهند داد

چه قدر جهالت خواهد بود هرگاه با اوضاع حالیهٔ ایران بجهت حفظ
این اوضاع از پولیتیک فرنگستان بقدر سر موئی توقع حمایت داشته باشیم

در این عهد پولیتیک و اقدامات ملل فرنگستان بر حسب ظاهر هرچه باشد در معنی
عموماً بر روابط و منافع تجارت دنیاست

در عهود سابق جنگ و صلح دول بسته بملاحظات دیگر بود
بسا اتفاق میافتاد که سلاطین و وزرا و حتی زنهای آنها بواسطهٔ میل
یا بدمیلی خود نسبت بدول خارجه اسباب جنگ و صلح میشدند

در این عهد دوستی و عداوت دول بهیچ وجه نه در اختیار سلاطین نه در دست وزرا است

ارتباط دول عموماً بسته بارتباط تجارتی ایشان است

دولی که باهم زیاد تجارت دارند باهم زیاد دوست هستند

انگلیس و فرانسه باهم بیشتر از همه دول دوستی و بستگی دارند
زیرا که باهم بیشتر از همه دول ارتباط تجارتی دارند

دوستی آلمانیا نسبت با ایران هیچ است
زیرا که آلمانیا با ایران هیچ بستگی تجارتی ندارند

عهدنامه و سفارت و آشنائی با اولیای دولتین بدون ارتباط تجارتی
بیجا

بجز یک صورت ادب دوستی هیچ نفعی ندارد

درمیان دول هم عهدی و همدستی حقیقی باید بر ارتباط مادی و
منافع تجارتی باشد

ملاحظات پولتیک هر قدر هم قوی باشند بدون اساس تجارتی
اغلب اوقات بی معنی و بی اثر می مانند

لکن هم فرضاً سلاطین و وزرای فرنگستان بملاحظات پولتیک و از

ردی بد

ردی بد و عزم نفسی بخواهند از ایران حمایت نمایند ملل فرنگستان
مطلقاً در هیچ صورت نخواهند گذاشت که یک دینار یا یک سرباز
ایشان صرف حفظ ایران شود زیرا که در کل فرنگستان هیچ
مملکت هیچ کارخانه هیچ کمپانی هیچ تاجر هیچ بقال
نیست که از حفظ اوضاع حالیهٔ ایران یک ذره فایده در نظر
داشته باشد

جمیع وزرای دول بزرگ مع الخصوص وزرای انگلیس این مطلب را
البته صد بار برای ما تشریح کرده اند
میگویند ما باقتضای ملاحظات پولتیک خیلی طالب هستیم که دولت
ایران را مستقل و قوی نگاه بداریم اما چون ضعف ما در ممالک

ایران هیچ منفعت وبستگی مادی ندارند ملاحظات پولتیک
هر قدر هم در نظر ما مهم باشد ما هرگز نمیتوانیم از حق ما بجهة حفظ ایران
یک دینار مدد بخواهیم

با آنکه ایران آباد بود و آنکه سالها از مصالح و سرمایه های فرنگستان
مربوط به اهالی ایران نشده بود آنوقت با اقتضای منافع مادی
حق فرنگستان اتفاق دول فرنگستان بر سر مسئله ایران خیلی سهل
و در مقابل خیال اتفاق اقدام هر دولتی خیلی مشکل میشد

شرح مطالب بیش از این هیچ لزومی ندارد

مسئلهٔ حالیهٔ ایران را از هر طرف و بهر ملاحظه که بشکافیم
خلاصهٔ مطلب و اصل حقیقت این خواهد بود

که اگر ملک ایران باید امروز گدا و ضعیف و خراب و از دایرهٔ
اهالی دنیا خارج و مفقود نگاه بداریم محال عقلی است که اولین قدم
یکی از دول فرنگستان ما را بکلی محو نکند

واگر از روی یک ذره شعور طالب بقای دولت ایران هستیم باید
بلا تردید و بدون یک دقیقه معطلی استقلال دولت را
بر اهالی ملک و اهالی ملک را بر اصول علم قرار بدهیم

مقصود این کتابچه معلوم شد

بر وجوب آبادی و بر لزوم تنظیم ایران هیچ شبهه نیست
حرف فقط در اینست که چنان تنظیمات و چنان آبادی ایران
بچه نحوه در کدام دستگاه و بتوسط چه نوع اشخاص بظهور خواهد رسید

بدیهی است که همه این کارها کار یک شخص نیست
هیچ پادشاه به تنهائی نمیتواند هزار یک این کارها را بکند

این کارها یک کارخانه لازم دارد

کارخانه این کارها را دولت میگویند ۲

جمیع این تنظیمات باید از کارخانه دولت بیرون بیاید

خود کارخانه دولت از همه دستگاه‌های ایران بی‌نظم‌تر است چه طور

میتواند اسباب این نظم باشد

۲ کلیه حالات و [illegible] ... [illegible] دولت در ایران فقط [illegible] ... کارخانه‌ها [illegible] ... کارهای دولت [illegible] ... بگوئیم

قوه وزرا بیان

باید اول کارخانه دولت را نظم داد

چون جمیع نظمهای ایران باید از کارخانه دولت بیرون بیاید لازم است که بر وضع

ترتیب این دستگاه اصلا چند دقیقه تامل نمائیم

اول حقی

از نقایص دستگاه دیوان ما هر چه بگوئیم بیان بدیهیات خواهد بود

بر صفات شخصی وزرای ما هیچ حرفی نیست

عقل و نجابت و کفایت و دولتخواهی هر یک از آنها را مسلم میداریم

ایراد ما فقط بر نقص ترتیب دستگاه است

صدر اعظم

وزیر لشکر — وزیر دربار — وزیر امور خارجه

وزیر جنگ

وزیر نظام

وزیر فواید

وزیر بنائی

وزیر واصله

وزیر رسایل

وزیر دفتر

وزیر بقایا

وزیر موقوفات

وزیر گمرک

وزیر کشور

وزیر تجارکار

وزیر پیشخانه

وزیر صنایع

وزیر الطباعات

وزیر حضور

وزیر درب عام

وزیر تجارت

وزیر معادن

وزیر فلاحت

وزیر عدلیه

وزیر علوم

وزیر وظایف

وزیر قورخانه — وزیر هم رج

امیرکبیر
امیرنظام
مستوفی الممالک

معیرالممالک

مشیرالممالک

سپهسالار

امین السلطان

وغیره

وغیره

این اشخاص همه مردمان معقول و وجیه‌های ممتاز بجای خود هستند ولیکن در دنیا
هیچ مهندس و هیچ حکیمی نیست که بفهمد از اختراع این همه وزارتهای عجیب
و غریب چه مقصود و چه فایده در نظر بوده

به آنکه داخل تفاصیل بشویم باید با جرأت دولتخواهی اعتراف نمائیم که
که چرخ حکمرانی دولت ایران به اندازه معیوب و به نهایت مغشوش است

وزارتها نه تنها با همدیگر هیچ ربط ندارند بلکه وضعاً و اصلاً
نقیض و مدعی همدیگر هستند
عدد و ترتیب عمّال هیچ معلوم نیست
مناصب دولت همه توی درهم
حقوق و وظایف همه با هم مخلوط
معاملات دیوان مجمع غوامض دنیا
کلیهٔ چرخ دولت گرفتار مشتهای انگال

از هزار کرور لیره یکی بدرستی بجا نمیشود

ترتیب اینگونه اوضاع که بدین تفصیل اصلی معروفهٔ دنیا و اسباب چنان ضررها و خرابیهاست که عقل خارجی از فهم بقای چنان مجمع هر دقیقه غرق یک حیرت تازه میشود

عقیدهٔ اولیای ما بر ترکیب حالیهٔ دولت ایران هرچه باشد این فقره مسلم است که نه در عهود سابق نه در این ایام نه در ایران نه در هیچ گوشهٔ دنیا هرگز هیچ دستگاه دولتی نبوده که دستگاه حالیهٔ ما را بتوان بآن تشبیه کرد

علم انتظام

نکتهٔ مسلم تر اینست که همت و عزم شاهنشاهی هر قدر قوی و وزرای ما هر قدر عاقل و دولتخواه باشند با ترتیب حالیهٔ دولت ما محال است که از چنان دستگاه یک قرار صحیح یا یک عمل با معنی بروز بکند

هر خیال و هر طرحی که صحیح تر و عالیتر از آن باشد ممکن نیست که در میان این دستگاه بکلی معیوب و باطل نشود .

باز هم تکرار میکنیم بحث هیچ چه راجع باشخاص نیست مقصود فقط بیان نقص ترتیب است

لشکر یک فوجی که مرکب باشد از هشتصد نفر سرباز پنج نفر مرتب

و پنجاه نفر سرهنگ و شصت نفر سلطان و بیست نفر درویش و چهل نفر مستوفی و سی نفر ملا را با تکالیف به ربط صاحب منصب قرار بدهیم آیا حالت آن فوج چه خواهد بود

ترتیب دولت هم مثل ترتیب فوج قوانین معین دارد

دستگاه دولت باید بهتر از هر فوج بهتر از هر کارخانه بهتر از ساعت موافق قواعد علمی منتظم باشد

لکن ما در میان یک کارخانه یا در میان یک ساعت بی‌حساب اقسام چرخها و پیچهای مختلف داخل بکنیم و جمیع آلتهای آنها را هر روز بمیل خود زیر و رو بکنیم حاصل آن کارخانه و نفع آن ساعت بدیهی است چه خواهد بود

ما ضعفای آسیا با اینکه به شهادت پرده زنهای ما خیلی عاقل هستیم از قرون ترتیب دستگاه دولت هرگز هیچ اطلاع نداشته‌ایم .

ما ضعفای آسیا هیچ حق نداریم که در درجات فنون عالمیان خود دخل و تصرف نمائیم

علما و مهندسین فرنگستان چنانکه کارخانه‌جات صنایع خود را باعلی درجه کمال رسانده‌اند کارخانه دولت خود را بهمان نسبت ترقی داده‌اند

نمیتوان تصور کرد که علوم و اجتهاد فرنگستان در تکمیل کارخانه دولت
چه معجزها کرده است

ماکه در کارخانه‌جات صنایع اینقدرها عقب مانده‌ایم چه طور میتوانیم
در کارخانه دولت که جامع اشرف علوم بشری است بیخبر اختراعی
نمائیم

نظم دستگاه دولت شدن زبان
لکن واقعاً طالب نظم دستگاه دولت خود هستیم باید این
دقایق را از روی صدق عقیده قبول و قوانین آنرا بدون چون و چرا
متابعت نمائیم

نمیتوان منتظر شد که جمیع این قوانین در یک کتابچه مختصر ضبط و بیان بشوند

و در نتیجه این عجز عقلی طبیعی را در جنب قدرت علوم کسبی اعتراف بکنیم
و بخصوص این فقرهٔ اخیر را از روی اعتقاد کامل تصدیق نمائیم که بجهة تنظیم
و احیای ایران هیچ چاره نداریم بجز اینکه رجوع نمائیم بآن علوم
مخصوص که در سایر اقالیم منشأ اینهمه قدرت شده‌اند

— واجبهای لازم وارد

اگر ما بخواهیم شرط انتظام دستگاه دولت را براین قرار بدهیم که
اولیای دولت علیّه اصول علوم و قواعد تنظیمات دول را به تفصیل بفهمند
و بدرستی یاد بگیرند پس باید انتظام ایران را محوّل بقیامت کرد

در مسائل حاضره چیزیکه از امثال ما میتوان توقّع نمود اینست که ما از روی عقل

در خصوص ترتیب دستگاه دولت بعضی فقرات ساده محض یک نمونه ناقص بطور مختصر در اینجا یادداشت مینمایم

بدیهی است که ترتیب دستگاه دولت باید لا محاله مبنی بر قوانین باشد

وضع قوانین کار همه کس نیست

تاسیس

تأسیس قوانین باید در یک مجلس عالی بشرایط مفصله و بر طبق اصول صحیحه باشد

عموم کارگذاران دولت باید بلا استثنا محکوم قانون باشند

باید خارج از قانون نتوانند قدمی بردارند

و ارکان نظام دولت باید بحکم قانون معین و محدود و مقرر باشند

باید کل وزرا در ماموریت خود مسئول باشند

یعنی نیک و بد اعمال ایشان بر عهدهٔ ایشان باشد

وزرای حالیهٔ ایران مسئول نیستند

در کلیت ادارهٔ آنها هر خبط و هر خطائی که ظهور میکند میگویند کار
ما نیست کار پادشاه است

این یک کلیهٔ غلط و اسباب خرابی دولت است

هر وزیری که یکی از اعمال متعلقهٔ وزارت خود را نمی‌پسندد باید فی الفور
استعفا نماید اگر استعفا نکند پس آن عمل را تصدیق کرده
[illegible]

پس نیک و بد آنها بر عهدهٔ اوست

از یک وزیری پرسیدم چرا فلان حقوق دولت را بخارجی تعیین کردی
میگوید من نکردم پادشاه کرد

این حرف خیلی نامربوط و خیانت محض است

هیچ پادشاه نمیتواند شخصاً باین نوع امور تماماً رسیدگی نماید
یک وزیر باید نیک و بد این کارها را تماماً بر عهده بگیرد یا استعفا نماید

اگر آن وزیری که این نوع کارها را تصدیق نموده استعفا کند بعد
یک وزیر دیگر یا چنان خبط نمیکند یا اگر هم خبط بکند آنوقت
بحث تقصیر بر آن وزیر وارد میآید

وزیری که یک عملی را خلاف مصلحت دولت بداند و محض حفظ
منصب و کسب مواجب خود مرتکب آن عمل بشود و جاهل است و خائن
پادشاه است

وزیر دولت خواه آنست که از برای مصلحت دولت و خدمت پادشاه
از مواجب و منفعت شخصی خود صرف نظر نماید

تا رسم

تا رسم استعفا را در میان وزرا و کارگذاران دولت منتشر نکنیم
در دایره حکمرانی ما هیچ نظم و هیچ ترقی حاصل نخواهد شد.

اگر فلان حاکم نمیتواند مالیات ولایت را بدرستی وصول نماید باید استعفا نماید.

اگر فلان وزیر نمیتواند مواجب اتباع خود را بدرستی برساند باید استعفا بکند

وزرا باید شریک مسئولیت همدیگر باشند

این مسئله تفاصیل زیاد لازم دارد
بدون اجرای این شرط انتظام مجلس وزرا هرگز میسر نخواهد بود

مجلس وزرا یعنی بعبارت اخری مجلس اجرا باید از مجلس قوانین بکلی
جدا باشد

۱۸ فقره از

هر شغل دولتی باید بحکم قانون یک مواجب معین و کافی داشته باشد

مواجب را با مستمری نباید مشتبه کرد

مستمری از برای خدمات گذشته یا بملاحظه حقوق اجدادی است

مواجب باید مزد یک خدمت واقعی باشد

شغلها و مناصب بی مصرف را باید بتدریج منسوخ کرد

مواجب عموم نوکرها در ایران کم است

مواجب آنهارا نمیتوان زیاد کرد بعلت اینکه پول نداریم

اجرای این اصول پول دولت را دقیقه بدقیقه زیاد خواهد کرد آنوقت
بالطبع مواجب عمال دولت هم زیاد خواهد شد

مواجب عمال باید بدون تکلف بر سر وعده برسد

عاملها

عاملها که بر سر وعده مواجبشان نرسد اسباب اذیت دولت و مجبور بخیانت است

ایصال مواجب نباید بسته بوصول مالیات باشد

اگر دول فرنگستان بجهت رسانیدن مواجب عمال شان اینطور منتظر
وصول مالیات باشند جمیع آن دول در یک سال بحالت دول آسیا
خواهند افتاد

یکی از محسنات تدابیر مالیه فرنگستان اینست که خواه مالیات زود برسد

خواه دیر خارج دولت بر سر وعده بدون تخلف داده شود

این فقره یکی از آن مقدمات است که دول فرنگستان از بابت خود حاصل گشته

کارگذاران دولت باید همه بلا استثنا صاحب کمال و صاحب دانش باشند

از برای ادارهٔ عهد کریم خان عقل طبیعی کافی بود اما از برای وزرای این عهد علاوه بر عقل زیاد علم زیاد لازم است

بلکه

یک شخص بی علم بی کمال هر قدر معقول باشد حفظ این صفت نباید هرگز داخل مجلس دولتی بشود

معقولیت و صداقت از برای وزارت کافی نیست

معقولیت و صداقت شرط اول زندگی است

جان نثاری و آقاپرستی بدون علم قابل هیچ اعتنا نیست

قیمت جان شاگردی چه در ایران و چه در خارج سالهاست یکسان است

نوکر دولتی علاوه بر آقاپرستی باید صاحب علم باشد

در این عهد نوکری که علم ندارد از برای سربازیهم غیر کافی است

رونق آبادی سویس و خرابی افغانستان اینست که کارگذاران افغان
علم ندارند و کارگذاران سویس علم دارند

باید

باید مناصب دولت فقط و فقط به اهل فضل و باصحاب علم داده شود

مطلب را نمیتوان بر این اوراق متفرقه بیشتر از اینها بسط داد

خلاصهٔ مطلب و جان کلام اینست که اگر واقعاً در فکر احیای ایران هستیم
باید اول کارخانهٔ دولت را بر طبق این چند اصول سالمه به تعجیل
هرچه تمامتر منظم و مهیای کار بسازیم

و بعد بتوسط این چرخ مرکزی همه آن اصولی را که سرچشمه آبادی دنیا
میدانیم بدون کم و زیاد در کل ممالک ایران اجرا بداریم

این حرفها همه صحیح
اما روح کار منحصر بمجلس است

کیست در ایران که بتواند این طرح اساسی را اجرا بدارد

اجرای این طرح البته با وزرای دولت است ولیکن شروع کار
منحصراً بسته به اراده و عزم ذات مقدس اعلیحضرت
همایون شاهنشاه روحنا فداه است

این همه کارهای گوناگون را از کجا و بتوسط چه نوع اشخاص میتوان شروع کرد

من این شاهنشاه فضایل پناه را بهزار دلیل حکیم کامل میدانم و یقین دارم که نقطهٔ شروع و اسباب اجرای این طرح الآن در ذهن مبارک همایونی در کمال وضوح تشخص و تقرر است

در این مسئله هیچ احتیاج بعرض خارجی نیست

ولیکن بنده در این مسئله آخر هم یعنی در مسئلهٔ پیدا کردن اسباب رأی عاجزانهٔ بنده را اگر سؤال فرمایند آنوقت حقیقتاً خود را محرمانه و مستقیماً بخاکپای اقدس همایون شاهنشاه حکمت پناه عرض خواهم کرد

علی العجاله بر یک فقرهٔ مهم با هزار معذرت و التماس با تمام قوت صدق تأکیدات خود را تجدید میکنم

اصل این طرح اساسی خواه پسندیده باشد و خواه نباشد امروز شرط ناگزیر بقای ایران شده اند

در عهد شاه عباس اولیای دولت ایران در نتیجه قبول این اصول کامیاب شدند

اما امروز در انتخاب ما دیگر هیچ اختیاری نداریم

ما امروز بحکم مقدّرات الهی ناچار و مجبور هستیم که خواه و ناخواه

همهٔ این اصول را بدون چون و چرا قبول نمائیم

دولت ما استقلال ما زندگی ما بسته باجرای این اصول است

بجهة تأخیر اجرای این اصول هیچ دلیل و هیچ عذری نداریم

جمیع این اصول مطابق دین اسلام موجب رفاه عامّه و متضمن تأمین انسانیت است

بجهة اجرای این اصول هرگز بهتر از امروز فرصتی نخواهیم داشت

بجهة اجرای این اصول هرگز از امروز عالم‌تر و قادرتر و صادق‌تر و مستعدتر پادشاه و موقعیتی نخواهیم داشت

بهر ملاحظه و موافق هر قانون امروز اجرای این اصول اوّلین تکلیف ملّی اوّلین وظیفهٔ دینی و اوّلین حکم عقلی ما است



بدون اجرای این اصول خلق و دولت ایران از این وبای فقر
و از این طوفان بلیّه هرگز خلاصی نخواهند یافت

بدون اجرای این اصول ملل فرنگستان دفع ادارهٔ حالیهٔ ما را
بر عهدهٔ انسانیت خود واجب خواهند شمرد

بدون اجرای این اصول به هر دولت که پناه ببریم و هر عهد تسلیم که بدهیم
بجز خواری و انهدام قسمت دیگر نخواهیم داشت

بدون

